



بشقاب مفرغی
قبرسی - فنیقی

فنیقی‌ها (۳)

هنر و معماری

به‌طور کلی اگرچه بقایای کافی از معابد فنیقی در سوریه و فلسطین به‌دست نیامده است، ولی معبد سلیمان در اورشلیم، که به‌وسیله کارگران فنیقی ساخته شده، به‌طور مفصل در تورات توصیف و مورد بحث قرار گرفته است. در ۱۸۹۵ دووگه *de vogue* نوشت که فنیقی‌ها هیچ ابتکاری نداشتند. در واقع، هنر فنیقی تا حد زیادی در هنر سوریه‌ای گنجانده شده است و در محل تلاقی نفوذهای مختلف، از مصر گرفته تا بین‌النهرین و از اژه تا آناتولی، قرار دارد. به‌سبب این اوضاع، و همچنین اوضاع سیاسی و اقتصادی، ظاهراً توجهی به هنر متعالی وجود نداشته و هنرمندان ترکیبی از نفوذها را عرضه می‌داشتند و حال آن‌که فاقد سنت مربوط به سبک بوده‌اند. کوشش‌های بسیاری جهت سبک انجام گرفته است، اما این جنبه تکامل نمی‌یابد و بیشتر در عصر مفرغ ظاهر می‌شود تا عصر بعد از آن. آشکار است که نفوذ مصر بیش از سایر نقاط بوده است و این مطلب ناشی از ارتباطات مستقیم از طرف دریا و نیز به جهت روابط بازرگانی مداومی بوده که مقاصد اصلی مصنوعات هنری را تشکیل می‌داده است.

با ملاحظه بسیاری جهات، تردیدی وجود ندارد که گونه‌های هنری و شمایل‌سازی، تحت تأثیر مناطق مجاور قرار داشت. از جمله در مورد اشیای عاجی تأثیر مصر، و در علایم حجاری شده سنت بین‌النهرین، و در مورد نقشمایه‌های بر روی ظروف، الهام از نقشمایه‌های اژه‌ای را می‌توان مشاهده کرد. باید متذکر شد که هنر فنیقی را می‌توان بر طبق گونه‌های آن، و به‌صورت‌های مختلف، طبقه‌بندی کرد. در هزاره اول، فنیقی‌ها بدون

تولد، تولیدکنندگان بزرگی در خاورمیانه از لحاظ ساخت اشیای تزئینی مانند پلاک‌هایی از عاج، کاسه‌های فلزی، جواهرآلات و مهرها به‌شمار می‌رفتند.

اگر پیشرفت کلی تاریخ و فرهنگ سوری - فلسطینی را در ناحیه فنیقیه مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که منطقه فنیقیه مرکز تولیدات هنری است. وجود قطعی نقشمایه‌های مصری نیز نشان می‌دهد که فنیقیه و نه قبرس، مرکز تولیدات بوده است. با بررسی آثار عاجی یافت شده توسط لایارد dayard معلوم می‌شود که ظروف نمرود از قصری که متعلق به سارگون دوم بوده، به‌دست آمده و ظاهراً متعلق به سده هشتم است. در بشقابها یک ترنج مرکزی، تزئین کاری نوارهای متحدالمرکز، نقشمایه‌های هندسی در کنار نقوش انسانی و جانوری در حاشیه‌ها، وجود دارد. روی هم رفته، لبه‌های بشقاب‌های ساده‌تر، دارای چندین عنصر هندسی یا گل‌مانند است. نظیر: نخل، غنچه، گل پاپروس، یا جانورانی مانند ابوالهول‌های بالدار، گوزن و سوسک مصری.

گرشناد Gjerstad، درباره ظروف قبرسی بررسی دقیق به‌عمل آورده است و آنها را به سه گروه تقسیم می‌کند: اول (۷۰۰-۸۰۰ پیش از میلاد)؛ دوم (۶۰۰-۷۰۰)؛ سوم (۶۰۰-۵۵۰) و احتمال می‌دهد که این ظروف، که دارای ویژگی‌ها و تکامل‌های مستقل هستند، به هنرمندان فنیقی نسبت داده شود، نه به واردات از شهرهای فنیقی. به‌نخستین دوره قبرسی - فنیقی، یک بشقاب سیمین از آماتوس Amathus تعلق دارد که دارای یک ترنج کوچک در وسط است که به وسیله سه حاشیه از تزئینات متحدالمرکز احاطه شده است. و این حاشیه‌ها مرکب از یک سلسله ابوالهول‌ها با بال‌های گسترده است که خورشید را حمل می‌کنند و بر روی سر خود تاج دوگانه مصری دارند. حاشیه دوم آن، دارای نقوش خدایان مصری و یک سوسک مصری بالدار و قربانگاه‌هایی به‌سبک مصری است که دارای تصاویر هوروس Horus بر روی گل نیلوفر است. حاشیه بعدی، جنگجویان نوع آشوری را نشان می‌دهد که به شهرهای برج و بارودار حمله می‌کنند.

از ظرف‌های گروه قبرسی - فنیقی، سه ظرف وجود دارد که دو تای از آنها در مجموعه سسنولا cesnola و دیگری در لوور است. ظرف شماره ۴۵۵۴ در مجموعه سسنولا، دارای نقشمایه‌ای با اصل و منشأ آشوری است. ظرف دیگر از این مجموعه، به صورت قطعات شکسته است، ولی حاشیه‌های آن مناظر جنگ را نشان می‌دهد، در صورتی که در قسمت مرکزی قتل عام دشمنان را به وسیله فرعون می‌توان دید. ظرف موجود در موزه لوور، دارای بخش مرکزی وسیع با نقشمایه‌های هندسی و گل و بوته دار است.

این نمونه‌ها، مثالهای خوبی از اهمیت اساسی ظروف در تاریخ هنر فنیقی است. در آنها

حداکثر تقلید از نقشمایه‌های شمایل‌نگاری، مقتبس از مناطق مجاور را، می‌توان دید و همچنین زینت‌کاری این نقشمایه‌ها حداکثر گسترش نقشمایه‌های جهان پیرامون مدیترانه را نشان می‌دهد، البته تا اندازه‌ای استقلال‌ی هنرمندان، که به‌نظر ممتاز و ابتکاری می‌آید، ملازم این تنوع ترکیبات است. نفوذ مصری به‌چشم می‌خورد، اما گرایش‌ی نیز به‌سوی تزیینات سوری و نهایتاً آشوری وجود دارد.

هنر جواهر تراشی فنیقی شامل مُهرهایی به‌شکل سوسک مصری است. این واقعیت که بعضی از مهرهای استوانه‌ای دارای نام‌های فنیقی است، گواه اصل و منشأ فنیقیه‌ای خود مُهرها نیست و شاید فقط نشانه‌ی ثانوی مالکیت باشد. وجود اثر مُهر بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل از مشخصات عصر سنگ در سوریه و فلسطین، پس از گسترش الفباست. با ابداع الفباء به‌جای گل رس از پاپیروس برای نوشتن استفاده شد، به‌طوری که استوانه‌ای را که بر روی گل می‌مالیدند، از رواج افتاد و جای آن را سوسک از گونه‌ی مصری گرفت. از طرف دیگر، این سوسکها نه تنها به‌عنوان مُهر به‌کار می‌رفت، بلکه به‌عنوان حلقه و بخشهایی از گردنبند از آن استفاده می‌شد و همیشه دارای ارزش سحرآمیز بود و معلوم می‌دارد که چرا در شمایل‌نگاری به‌کار گرفته می‌شده است.

تداول مُهر در عصر سنگ، سراسر ناحیه‌ی سوریه - فلسطین را فراگرفت. به‌عبارت دیگر، نمونه‌های بی‌شماری از این محصولات، هم در نواحی فنیقی و هم در مناطق آرامی یافت می‌شود. علاوه بر نقشمایه‌های شمایل‌نگاری مُهرها که دارای نوشته است، برخی دیگر را می‌توان دید که هیچ‌گونه نوشته‌ای ندارد، روی هم رفته معقول به‌نظر می‌رسد که فرض شود که مرکز ساخت این کالا بیشتر در شهرهای فنیقی بوده و این مهرها که در شهرهای اسرائیلی و فنیقی پیدا شده دارای اصل و منشأ فنیقی و ابتکار صنعتگران مهاجر فنیقی بوده است.

معماری

کامل‌ترین اطلاعات درباره‌ی معماری فنیقی همانا توصیف معبد سلیمان در تورات است. این معبد توسط هنرمندان فنیقی ساخته شد. مقایسه‌ای میان اطلاعات عرضه شده در تورات، با شواهد باستان‌شناختی از معابد سوریه‌ای، به‌ویژه معبد قرن سیزدهم در حاصور Hazor و معبد سده‌ی نهم در تل تاینات Tell Tainat، نشان می‌دهد که ساخت معبد سلیمان، دارای همه‌ی ویژگی‌های این ناحیه است. این خصوصیات بیشتر نزدیک به اختصاصات معبدسازی مصری است. دو ستون یا دو ستون درون دیواری در مدخل

معبد در اورشلیم، با نمونه‌های نمازخانه‌ها در آغاز هزاره اول تطابق دارد و در عبارتی از هرودوت به آنها اشاره شده است. بنا به گفته او، معبد ملقارت در صور، دارای ستونهای مشابهی، یکی از طلا و دیگری از زمرد بود. اجزای ترکیب‌کننده اساسی این سرستونها دو طومار در دو سوی یک مثلث است، اما عناصر دیگر از اصل و منشأ مصری مانند نخل و ابوالهول و برگ‌های نیلوفر آبی علائم دیگری از هنر مصری است.

همه جایگاه‌های مقدس فنیقی که کشف شده‌اند، هر قدر هم خراب و ناقص مانده باشند، حاوی محوطه مستحکمی هستند که محراب مقدس را در بر گرفته‌اند. یک گونه از این معابد بر روی سکه‌ای از بیبلوس Byblos، و متعلق به امپراتور ماکرینوس Macrinus (۲۱۷ - ۲۱۸ میلادی) دیده می‌شود که چندین قرن قدمت داشته است. جایگاه‌های «مرتفع» که در تورات به آن اشاره شده، نمونه دیگری از معبد به شمار می‌رفت که تنها شامل سنگ‌های یادبودی و سی‌پی cipi در فضای باز بوده که آنها را معمولاً برفراز «مرتفعاتی» می‌ساختند و خدایشان را در آنجا پرستش می‌کردند. جالب‌ترین سنت ادبی که از این مرتفعات آموخته می‌شود آن است که هنگامی که امپراتور روم و سپاسیانوس vespasianus به کوه کرمل karmel رفت تا با غیبگو مشورت کند، تنها محرابی را یافت که در فضای باز قرار داشت. سنگ‌های یادبودی و سی‌پی‌های این معبد شبیه آن‌هایی است که در بیبلوس، در عصر مفرغ، و در حاصور در عصر آهن، در بخش داخلی فلسطین به دست آمده است. سرانجام از جایگاه‌های مقدس دیگر مذکور در تورات، اگرچه خارج از حوزه فنیقی و در مجاورت اورشلیم قرار دارد، توفت Topheth است، که در آن جا کودکان را قربانی می‌کردند و اشاره تورات به «قربانی‌های مولوخ Moloch» و ذکر یک توفت نزدیک اورشلیم، حاکی از وجود مراسم عمومی کنعانی است، که فنیقی‌ها آن‌ها را در عصر آهن ادامه دادند.

اقتصاد و تجارت

تردیدی نیست که فنیقی‌ها آن مقدار از اراضی کوچک و محدود و قابل کشتیرانی را که در اختیار داشتند مورد بهره‌برداری قرار می‌دادند و حتی تا دامنه‌های کوه‌های لبنان به کشت و زرع می‌پرداختند و برای آبیاری از نهرها استفاده می‌کردند. نظام کشت و زرع غلات، به‌ویژه گندم، برقرار بوده است. در سنگ‌های یادمانی کارتاژی^۱ ها خیش بسیار

۱. باید توجه داشت که کارتاژ مستعمره فنیقی‌ها بوده است.

ساده‌ای می‌بینیم که بنا به گفتهٔ ماگو Mago به وسیلهٔ گاو کشیده می‌شد و شباهت زیادی به خیش‌های مردم شمال آفریقا و سوریه داشت.

آب آشامیدنی در شهرهای فنیقی و بیشتر از همه در جزایر، از طریق انبارهای وسیعی به دست می‌آمد که باران را در خود جای می‌داد. باستانشناسان بقایای آن‌ها را از دل خاک بیرون آوردند و استرابون شرح جالبی از روشی به دست می‌دهد که بدان وسیله ساکنان آرادوس Aradus، چشمه‌ای را که در کنار دریا فوران داشت، مورد استفاده قرار می‌دادند. ولی مهمترین عامل در اقتصاد فنیقیه، بهره‌برداری از جنگل‌های سرو و کاج بود که برای سرزمین‌های مجاور، چوب گرانبهایی تهیه می‌کرد. منابع مصری از این تجارت، از آغاز تاریخ خود، به‌ویژه در بیبلس یاد می‌کنند و در این مورد، هم تورات و هم منابع بین‌النهرینی، اطلاعاتی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. نبوکد نصر در شرح لشکرکشی خود از کوه‌های پر از درخت سرو و جنگل‌هایی سبز با هوایی معطر گفتگو می‌کند.

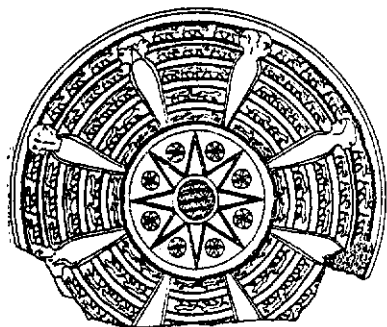
صنعت عمدهٔ فنیقی‌ها پارچه‌بافی بود. هومر در چندین مورد، به جامه‌های رنگارنگ صیدونیان اشاره کرده است و آسیایی‌هایی که بر روی یادمان‌های مصری نقش شده‌اند نیز جامه‌های رنگین بر تن دارند. فنیقی‌ها به سبب رنگ‌کردن پارچه‌های خود با صدفی که در دریا نزدیک ساحل فنیقیه به وفور یافت می‌شد، شهرت داشتند، ولی صدف‌های مزبور بر اثر بهره‌برداری بسیار از آن‌ها، به تدریج ناپدید شدند. از صدف مرده، مایعی ترشح می‌شد که وقتی آن را بر روی پارچه سفید می‌ریختند، آن را به رنگ بنفش در می‌آورد و این همان رنگ ارغوانی است که با نام فنیقی‌ها مربوط شده است. در جنوب صیدون، تپه‌ای نزدیک به دریاست که تماماً از لایه‌های صدف به ضخامت چند متر تشکیل شده است. از بقایای این صدف‌ها در غرب نیز یافت شده و این امر گسترش این صنعت را در میان کوچ‌نشینان نشان می‌دهد.

شیشه‌سازی نیز صنعت مهم دیگر شهرهای فنیقی‌ها پس از قرن هفتم پیش از میلاد بوده است. البته این ادعای پلینی را نمی‌توان پذیرفت که فنیقی‌ها این صنعت را اختراع کردند، زیرا بدون تردید، مدتی پیش از آن در مصر وجود داشت، اما این نکته نیز درست است که فنیقی‌ها آن را تکامل بخشیدند، زیرا آن‌ها از شیشه‌های شفاف استفاده می‌کردند، در صورتی که شیشه‌های مصریان مات بود.

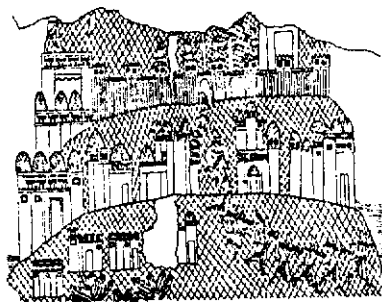
فلزکاری و عاج‌سازی، حاکی از بازرگانی گسترده‌ای است: مس از قبرس، نقره و طلا از حبشه و شاید از آناتولی، عاج از هندوستان یا پونت punt به دست می‌آمد، هرچند معادن مس و آهن در وادی عربی Araba، که سلیمان از آن به وفور استفاده می‌کرد، وجود داشت.

همه اینها اهمیت راه دریای سرخ را نشان می دهد که از آنجا دسترسی به ساحل افریقا و هندوستان میسر می شد. بنابراین، یک تصویر عمومی روشن از فعالیت اقتصادی در دست است که متکی بر بهره برداری از منابع محلی و کالاهایی بود که آن ها را می توانستند از سرزمین های دوردست در کشتی بگذارند و بار دیگر از طریق راه های دریایی حمل کنند. فنیقی ها با کشتی هایی به تجارت می پرداختند که آشوری ها آن ها را توصیف کرده اند. دو نمونه از کشتی وجود داشت که هر دو را بر روی نقوش برجسته آشوری از نینوا می توان دید. این نقوش فرار لولی luli را از صور نشان می دهد. نوع اول این کشتی ها که صرفاً در جنگ به کار می رفت دارای پشتی محدب و آلتی برای شکستن پهلوی کشتی دشمن بود. زیر عرشه کشتی جایی جهت پارو و آویختن سپرهای جنگجویان وجود داشت. نوع دوم احتمالاً برای تجارت و دارای جلو و پشتی محدب و نیز سکویی جهت نشستن ملوانان بود. در نوع اخیر دکل وجود نداشت. نوع سوم از کشتی نیز ساخته می شد، که کوچکتر بود و تصویر آن بر روی دروازه مفرغی بالاوات و در نقوش برجسته سارگون دوم در خورس آباد khorsabad، مصور شده است. از شکل این کشتیها معلوم می شود که کار آنها عمدتاً تجارت و برای حمل کالاهای درجه دومی بوده که در خور حفاظت نظامی نبوده است. به علت عدم قطب نما، کشتیرانی تحت هدایت دُب اصغر صورت می گرفت که به یونانی به آن «فنیقی» می گفتند. کشتیها تا مسافت زیادی از ساحل دور نمی شدند و احتمالاً مراحل به خشکی رسیدن خود را به اندازه یک سفر دریایی تعیین می کردند، تا بتوانند شب هنگام بر روی خشکی به سر برند. با وجود این، از مقصدهای دور نیز وحشت نداشتند و از جزایری در دریای باز به عنوان لنگرگاه، استفاده می کردند. بنا به گفته هرودوت، دورترین سفری که ملوانان فنیقی به عهده گرفتند دوردن قاره افریقا بود، که بنا به دستور فرعون نخو Necho در حدود ۳۰۰ پیش از میلاد انجام گرفت. می گویند این سفر سه سال به طول انجامید. دو سفر دیگر نیز از کارتاژ صورت گرفت: یکی در حدود ۴۵۰ به وسیله هیمیلکو Himilco، که از جنوب اسپانیا به جزایر بریتانیا رفت، و دیگری در حدود ۴۲۵ که توسط هانو Hanno صورت گرفت که به نظر می رسد از طریق ستونهای هرکول (جبل طارق) به خلیج گینه سفر کرده باشد. این سفرهای دریایی نه از فنیقیه، بلکه از کارتاژ (قرطاجنه) انجام یافته است.

فنیقی ها در طی سفرهای دریایی خود، ظاهراً گاهی متوسل به دزدی دریایی می شدند و در ربودن پسران و کودکانی تخصص داشتند که آنها را به عنوان غلام و کنیز در سایر کشورها به فروش می رساندند. ائومیوس Eumues در اودیسه می گوید که «فنیقی ها مردانی که



بشقاب مفرغی با ترنج
مرکزی از نمرود



شهر فنیقی بر روی نقش
برجسته سناخریب



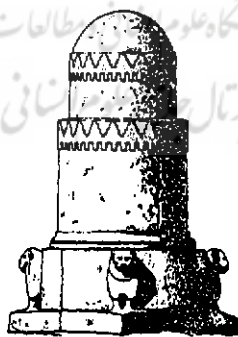
بشقاب مفرغی
فنیقی - قبرسی



بشقاب مفرغی فنیقی
سبک مصری



سکه فنیقی از صور



یک بنا از عمریت



سکه از آرادوس

به سبب کشتی های خود و به افراد طماع و شرور شهرت دارند و اشیای بی بهای فراوانی با کشتی های سیاه خود می آورند. گواه بیشتر این مطلب توسط هرودوت اقامه شده است که فنیقی ها کاهنه های اهل نب Thebes را در مصر می ربودند و به لیبی می فرستادند. اماروی هم رفته فعالیت های مربوط به دزدان دریایی باید نسبتاً محدود بوده باشد. در غیر این صورت، روابط تجاری را که فنیقی ها به آن اهمیت فراوان می دادند، به مخاطره می انداخت.
کتابنامه

J. Gray, The canaanits, London, 1964.

W. F. Albright, The Role of the canaanites in the History of civilization, London, 1961.

W. B. Fleming, History of Trye, New York, 1915.

H. Frankfort, Art and Architecture of the Ancient Orient, Harmondsworth, 1954.

M. Haran, The Ras-Reliefs on the Sarcophagus of Ahirom in the Light of Archaeological and Literary parallels from the Ancient Near East, Israel Exploration Journal, VIII, 1958.

D. B. Harden, The phoenicians on the west coast of Africa, XXII, 1948.

پیمان نوری

حاجی فیروز



می آیند

سرخ و سپید و

- سیاه و رنگ رنگ

رها و سبکبال

با چمدانی پر از

- بهار و هلهله

و

قطار قطار

- آینه و لبخند

آواهاشان بوی سپیده دارد و

- لبخندهاشان رنگ

- زلال صبح

و

آرام و مهربان

بی صداتر از شکفتن گل سبب

گره می زنند

با رشته های نازک آوازشان

بهار را

به سرخ رشمه های

دل همامان.